

«همواره بر این عقیده بوده‌ام که هیچ
کشوری نمی‌تواند دوام و بقا داشته باشد
مگر اینکه مردم از دو اصل عدالت اجتماعی
و عدالت قضایی بهره‌مند شوند»
شاهنشاه آریامهر

***** کلید تسریع محاکمات *****

بیانات شاهنشاه آریامهر در کنگره بزرگداشت دهه انقلاب شاه و ملت در
مورد بطیء جریان رسیدگی در محاکم دادگستری مبین این حقیقت است که رئیس
مملکت توجه کامل و مخصوصی به قوه قضائیه دارند و می‌خواهند که دادگاههای
دادگستری در سراسر کشور در حل و فصل دعاوی بنحوی جدی‌تر و سریع‌تر عمل
نمایند تا مردمی که برای احقاق حق به دادگستری مراجعه می‌کنند زودتر از ثمره
عدالت قضایی برخوردار شوند.

وزارت دادگستری به منظور جلب رضایت خاطر خطیر شاهنشاه در جهت تسریع
محاکمات و حل و فصل دعاوی به اقداماتی دست زده است و از جمله دو شعبه دادگاه
جنائی را منحل و بجای آنها دو شعبه بردادگاههای استان افزوده است تا رسیدگی به
امور کیفری زودتر جریان یابد و سریع‌تر به نتیجه برسد و از تراکم کار کاسته شود.
علاوه بر این، برخی از شعب دادگاههای بخش را دوسره اعلام کرده تا هرچه بیشتر
موجبات تسریع در رسیدگی بدعاوی فراهم گردد، بعلاوه با تنظیم لوایح جدید و
تشکیل شورای عالی اصلاح قوانین کوشش دارد تا سرعت عمل بیشتر و مؤثرتری را
در محاکم دادگستری بوجود آورد.

تردیدی نیست که همه این اقدامات به‌جای خود مفید است و در رفع مشکلات
فعلی گامی مؤثر میتواند باشد ولی برای یافتن کلید تسریع محاکمات و حل مشکلات
دستگاه قضاء جا دارد که در ایران نیز همانند کشورهای پیشرفته و متمدن جهان
دخالت وکیل در طرح و اقامه دعاوی و دفاع از آنها الزامی گردد.

اصولا امر قضاء، کاریست که کاملاً جنبه فنی دارد و بهمین جهت دانشکده‌های
حقوق در ممالک جهان تأسیس گردیده تا افرادی را برای احراز شایستگی برای
دخالت در این امر تربیت نمایند، همانگونه که پزشکی امر فنی است و افراد غیر

صالح حق ندارند که در فن پزشکی دخالت کنند و دخالت اشخاص ناوارد و نیاموخته، در امر پزشکی بی‌گمان لطمه‌های شدیدی به سلامت افراد جامعه میزند، مداخله اشخاص غیر صالح در کار وکالت نیز از یکسو زیانهای جبران ناپذیر فردی و اجتماعی به بار می‌آورد و از سوی دیگر به علت ناوارد بودن چنین افرادی جریان امور دچار کندی می‌شود و با تراکم کار عملاً موجبات رکود پرونده‌ها و نارضایتی اشخاص فراهم می‌گردد. عدم دخالت این‌گونه افراد در امر وکالت سالهاست که در کشورهای راقیه اصلی مسلم و معمول است و ما نیز از پذیرفتن آن ناگزیریم.

قانون ما به وکلای پایه دو و سه اجازه نداده است که در دیوان عالی کشور وکالت نمایند و دادخواست یا لایحه‌ای بعنوان وکیل تقدیم کنند اما به اشخاص بیسوادی - که در زیر لوایح یا دادخواست انگشت می‌زنند و از نعمت خواندن و نوشتن محرومند - اجازه تقدیم دادخواست به دیوان عالی کشور را داده است.

اجازه دادن به اشخاص غیر صالح برای دخالت در امر وکالت موجب گردیده است که کار از دست اهل فن و نظر گرفته و به دست افرادی ناباب و غیر صالح سپرده شود که تنها نتیجه آن فراهم آوردن عدم رضایت مردم از دستگاه قضاء است. دخالت این قبیل افراد باعث گردیده است که دادخواستهای واهی و بی‌اساسی به محاکم داده شود که سالیان دراز وقت قضات دادگستری و دستگاههای مربوط را بگیرد و آخر الامر نیز شخص خواهان ناراضی از دستگاه قضاء بیرون رود و تقصیر را هم بگردن دادگستری بیندازد.

الزامی نبودن دخالت وکیل موجب گردیده است که افرادی ناوارد و بیسواد کاخ دادگستری را احاطه کنند و هر کدام بایک‌مشت اوراق و یک‌ماشین تحریر مشغول تنظیم دادخواست و لوایح گردند و کار را از دست اهل فن و متخصص در امر وکالت بگیرند و مشکلات دادگستری را روزافزون سازند.

چندین سال است که قسمتی از وقت مسئولان وزارت دادگستری صرف این امر شده که در رسیدگی به دعاوی تسریعی بعمل آید و بهمین منظور چندبار در مواد قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری اصلاحاتی صورت گرفته است اما علاوه بر آن که از این تلاشها نتیجه‌ای حاصل نشده برعکس کندی جریان امور سال بسال مشهودتر و نمایان‌تر گردیده است، علت چیست؟ اینحاست که باید گفت اگر همه علل کندی کار در این نباشد که کار دفاع و طرح دعوی منحصرأ به وکیل سپرده نشده، دست‌کم علت‌العلل آن همین امر بشمار میرود.

هر روز عده کثیری افراد بی‌اطلاع از قوانین و مقررات و غیر آشنا به عرف و سنت دادگستری به دادسراها و محاکم مراجعه می‌کنند و بطرح شکایات و دعاوی مبادرت می‌نمایند که در نتیجه بار دادگستری سنگین‌تر و مشکلات کار افزون‌تر می‌گردد در صورتی که اگر این قبیل مراجعان به دفاتر وکلای دادگستری هدایت شوند علاوه بر آن که پای کارچاق‌کن‌ها از دادگستری بریده خواهد شد، از طرح دعاوی بی‌اساس که قابل پیشرفت تشخیص نشوند نیز جلوگیری بعمل می‌آید و در نتیجه از تعداد شکایات واهی و دعاوی بی‌مورد کاسته خواهد شد و محیط دادگستری

از ازدحام و مراجعه‌کنندگان مزاحم و کارچاق‌کن برکنار میماند و آنچه در محیط دادگستری باقی می‌ماند قاضی و وکیل و قانون است. بدین ترتیب وکلای اصحاب دعوی هر یک از حق موکل خود دفاع می‌نمایند و قاضی هم با وجدان آرام، دور از ازدحام و ناراحتی در حل و فصل دعاوی می‌کوشد، و عملاً تسریع محاکمات صورت می‌گیرد. کانون وکلاء و قاطبه وکلای دادگستری بمنظور پیروی از منویات مقدس شاهنشاه آریامهر در تحقق بخشیدن به گسترش عدالت قضایی و تسریع در محاکمات و احقاق حق مظلومان و دفاع از بیگناهان همکاری صمیمانه خود را با وزارت دادگستری اعلام میدارند و در صورت تصویب قانون الزامی شدن دخالت وکیل در دعاوی، دفاع از حقوق افراد بی‌بضاعت را مجاناً بعهده می‌گیرند و همانگونه که در دفاع از متهمان در دادگاههای جنایی و کیفری وکلای دادگستری طی سالیان دراز وظیفه خود را به نحو اتم و اکمل انجام داده‌اند در امور مدنی نیز این وظیفه را بعهده خواهند گرفت تا رضایت خاطر خطیر ملوکانه در گسترش عدالت قضایی و تسریع در محاکمات فراهم آید. سالهاست که در کانون وکلای دادگستری اداره معاضدت قضایی تأسیس شده و هر روز بدرخواست افراد بی‌بضاعت، وکیل معاضدتی مجانی در اختیار آنها قرار میدهد و وکلای معاضدتی - که صرفاً برای کمک به اینگونه افراد انتخاب می‌شوند - با کمال جدیت در حفظ حق آنان مجاهده می‌نمایند. و در صورت الزامی شدن دخالت وکیل در دعاوی مطروحه در مراجع دادگستری می‌توان همانطوری که به دادگاههای کیفری اجازه داده شده است که برای افراد فاقد تمکن مالی وکیل مجانی انتخاب نمایند به دادگاههای مدنی نیز چنین اختیاری قانوناً اعطا گردد تا با همکاری اداره معاضدت قضائی کانون وکلاء هیچ فرد بی‌تمکنی از وکیل معاضدتی محروم نماند و در عین حال کارهم به دست اهل فن سپرده شده باشد. اینست طریق تسریع محاکمات در مراجع دادگستری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

